

آموزش دقیق و گسترده، مدل یابی اصیل؛ کنش بایسته؛ الگودهی عینی؛ نظارت و ارزیابی قانونی

مکتب سی مرغ «بخش بیست و دوم»، فصل هیجده

تاکتیک: دانایی افزایی

"ایران یعنی همه ایرانیان"

مهدی مطهرنیا

در بخش بیست و یک از مکتب سی مرغ؛ و فصل هفدهم از "اومانیسیم رهایی و آدمیت ایرانی" به دنبال تبیین "استراتژی دموکراسی به مثابه سبک زندگی" پروا داشتیم. بر این باور هستیم که دموکراسی به هیچ روی تنها یک سیستم سیاسی و نظام حکومتی نیست. اگر مستحکم ترین نظام های سیاسی و ساختارهای دولتی با شاکله دموکراسی به وجود آیند، اما آدم و آدم های دموکرات در یک جامعه وجود نداشته باشند؛ آن نظام سیاسی و ساختار حکومتی از درون تهی خواهد گشت و بازگشت دیکتاتوری در آن نظام حکومتی شدنی و به عبارتی محتمل خواهد بود. ساختن کاه بر روی شن روان بسی سخت است؛ اما بخردانه نیست.

اکنون بعد از گذار از مراحل چهارگانه از «وجه شش گانه مکتب سی مرغ در احیای آینده ایران»، بر آن هستیم که به وجه پنجم از وجه شش گانه در این زمینه بپردازیم. در این وجه بایسته آن است که تاکتیک گسترش دموکراسی به عنوان سبک زندگی در میان آحاد مردم ایران زمین اهورایی مورد پروا قرار گیرد.

تاکتیک را نیز با یک گزاره معنادار و قابل تعریف تقدیم می دارم. این گزاره عبارت است از: «آموزش دقیق، گسترده و مدل یابی اصیل؛ کنش بایسته و الگودهی عینی؛ نظارت و ارزیابی قانونی». این گزاره از سه وجه:

- نظری - ذهنی

- عینی - عملی

- نظارتی - ارزیابی

برخوردار است. تاکتیک یا راه نگاشت باید متوجه ایجاد فضای مناسب برای دستیابی به منظور و هدف معین تعیین شده در استراتژی برگرفته از سیاست های کلان در گستره پرپهنای اقدام باشد. سیاست های کلان نیز خود متوجه دکترین و پارادایم های بالادستی در این زمینه هستند. هرکدام از این معانی در بخش های قبل توضیح داده شده است و این ره نگاشت یا تاکتیک در مناسبت درونی و با تناسب بیرونی ناشی از آن، مورد پروا است.

این فصل از مکتب سی مرغ بر آن است که این وجوه سه‌گانه موجود را توضیح دهد. تبیین این وجوه می‌تواند ما را از ره نگاشت‌ها به ره‌نگاشت لازم برای زمینه‌پروری و زمینه‌سازی لازم در این زمینه هدایت کند.

- وجه نخست؛ نظری - ذهنی: آموزش دقیق، گسترده و مدل یابی اصیل:

بستر موردنیاز هر کنش اصیل و استخوان‌داری در دانش و فهم آدمی برای ادراک وسیع آن اقدام در صحنه عینی بر ساخته و فراهم می‌آید. وندل بل از جامعه‌شناسان و آینده‌اندیشانی است که من به وی باور دارم.

وندل بل در ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۴ در شیکاگو متولد شد. در طی جنگ جهانی دوم، بل هوانورد نیروی دریایی بود. در علوم اجتماعی از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فرسنو در سال ۱۹۴۸ فارغ‌التحصیل شد. وی سپس به درجه دکترا رسید. در سال ۱۹۵۲ در دانشکده‌های دانشگاه استنفورد (مرکز تحقیقاتی نظرسنجی استنفورد) و دانشگاه نورث وسترن خدمت کرد. وی از ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۴ همکار مرکز مطالعات پیشرفته علوم رفتاری در استنفورد (تحت عنوان برنامه مطالعاتی هند غربی) در کالیفرنیا بود. وندل بل در سال ۱۹۶۳ به دانشگاه ییل پیوست و بعداً رئیس گروه جامعه‌شناسی ییل شد و به تأسیس برنامه مطالعات آمریکایی آفریقایی ییل کمک کرد. وی در سال ۱۹۹۵ از ییل بازنشسته شد. درحالی‌که علایق اولیه تحقیق بل بر جامعه‌شناسی شهرهای ایالات‌متحده متمرکز بود اما به جامعه‌شناسی کشورهای حوزه کارائیب نیز علاقه‌مند بود. بل در درجه اول به دلیل تحقیقات و کارهای دیگرش به‌عنوان آینده‌پژوه شناخته می‌شود. بل بیش از ۴۰ سال به‌عنوان یک آینده‌نگر حرفه‌ای کار کرد. فدراسیون آینده‌پژوهی جهانی در سال ۲۰۰۵ به وی جایزه یک‌عمر موفقیت اعطا کرد. در سال ۲۰۰۸، انجمن آینده‌پژوهان حرفه‌ای کار دوجلدی بل را به‌عنوان یکی از ده عنوان کتاب برتر در این حوزه معرفی کرد.

وندل بل را بی‌گمان باید یکی از مشاهیر آینده‌پژوهی دانست. در نگاه اول، کار بل اشتغالی ذهنی به اهمیت تصاویر آینده در درک تغییر اجتماعی را نشان می‌دهد و بر نقش علوم اجتماعی و آینده‌شناسی در فرایند تغییر اجتماعی تأکید می‌کند؛ اما سهم بل فراتر از این‌ها است (طاهری دمنه). عمق دیدگاه و نظریات بل نشان از سابقه طولانی او در آینده‌پژوهی دارد. یکی از دغدغه‌های بل رفع شبهات مختلف واردشده به آینده‌پژوهی به‌ویژه در زمینه معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی است.

بل اعتقاد ژرف دارد که اندیشیدن پیرامون آینده و دانش آینده از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ زیرا این اندیشه و دانش دست‌مایه‌ای ضروری و بی‌بدیل برای تصمیم‌گیری و مشارکت در اقدام‌های هدفمند و ذ است (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲: ۸۰).

وندل بل آینده‌پژوهی را یک دانش اجتماعی بنیادین تلقی می‌کند که موضوع و درون‌مایه اصلی بررسی‌های آن آینده جامعه بشری است. بل در توصیف خود از آینده‌پژوهی افزون بر تأکید فزاینده و افراطی بر علم، نظریه خردورزانه‌ای آگاهی از آینده را مطرح می‌سازد. او تصمیم‌گیری پیرامون آینده را فرایندی منطقی تلقی می‌کند؛ در این فرایند واقعیات گردآوری می‌شوند و از دل آن‌ها نتایج و اکتشافات غیرقطعی پیرامون آینده استخراج می‌شود. ارزش‌ها و به دنبال آن، اهداف آینده، با توجه به تأثیرات بالقوه و یا نتایج ارزش‌ها و اهداف شناسایی می‌شوند. برنامه‌ها تدوین می‌شوند و اقدام بر پایه نگرش اندیشه‌ورزانه به ارزش‌ها و اهداف آغاز می‌شوند (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲: ۸۴). بل در مطالعات خود در جامائیکا دریافت که اثرات آموزش حقوق بشر در رده‌های گوناگون می‌تواند در رفتارها و کنش‌های افراد و جامعه مؤثر واقع شود و به پیروی از آن نیز شاهد ایجاد فضای مناسب اثرگذاری رفتارها و کنش‌ها برای اهمیت یافتن فزون‌تر آموزش‌های حقوق بشری در همان جامعه شود. این به آن معنا است که ذهن و عین در کنش متقابل قرار دارند. (مطهرنیا، ۱۳۸۸).^۱

در ادبیات علوم اجتماعی به قول رابرت اچ لاور در کتاب دگرگونی‌های اجتماعی می‌توانید در فصلی مجزا رابطه ذهن و عین را در دستگاه فکری:

- ایدئالیست‌ها
- رئالیست‌ها
- کنش متقابل و
- تغییرات متقارن

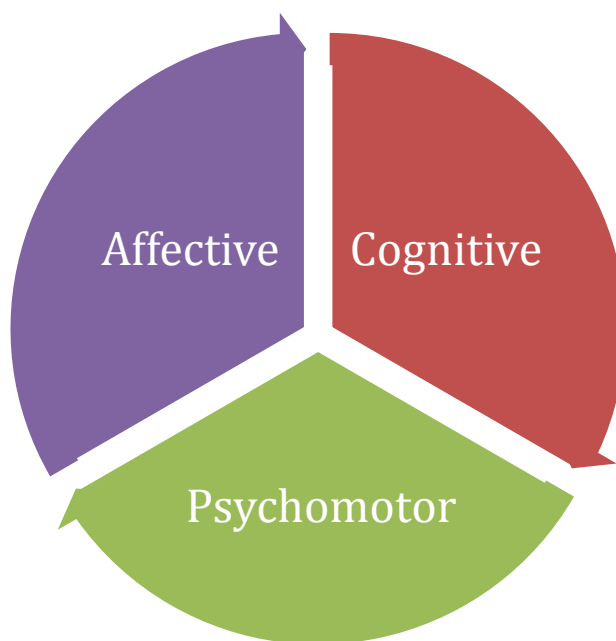
مطالعه فرمایید. من رویکرد پنجمی را در این زمینه قائل هستم. این رویکرد عبارت است از:

¹ <https://hawzah.net/fa/Article/View/82596>

«اصالت اولیت عین و اولویت ذهن در کنش متقارن»

ایدئالیست‌ها به اصالت ذهن در برساخت همه رفتارها و کنش‌ها پای می‌فشارند. رئالیست‌ها بر اصالت عین اصرار دارند. این در حالی است که دو رویکرد بعدی از اصالت و مفهوم اصیل بودن کدام‌یک از این دو عبور می‌کنند. گزاره اصلی برای آن‌ها اصالت ذهن و عین نیست؛ بلکه بر آن‌اند تا رابطه و مکانیسم اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها از هم را مشخص کنند. کنش متقابل در ساده‌ترین معنای آن به رابطه علیّی میان این دو قائل است. این در حالی است که دیدگاه تغییرات متقارن بر رابطه متقارن میان این دو و نه ضرورتاً علیّی میان آن‌ها پای می‌فشارند. من با تمایز میان "اولیت" و "اولویت" اصالت را نادیده نینگاشته و آن را متوجه عین دانستم و در همین حال اولویت را متوجه ذهن شناسا و شناساننده قراردادم که در رابطه‌ای گسترده از کنش متقابل و تقارن قرار دارند.

من همین نظریه پنجم را برمی‌تابم و اصالت اولویت را به ذهن می‌سپارم. این در حالی است که باید اولیت یعنی وضعیت کنونی ایران را از نظر دور نداریم. همچنین رابطه مبتنی بر کنش متقارن آن‌ها را دور از ذهن نینگاریم و نادیده نگیریم. آموزش دقیق در اینجا متوجه بهره‌مندی از مدل‌های معنادار شناخت در نظریه بنیامین بلوم است. باید از سه وجه شناختی (مهارتی)؛ روانی-حرکتی (مهارت‌های دستی/ رفتاری کنشی)؛ عاطفی (تأثیرگذار) در این زمینه بهره برد.



حوزه‌های سه‌گانه بنیامین بلوم

در گسترش دموکراسی به‌عنوان سبک زندگی باید از هر سه حوزه اهداف آموزشی بلوم بهره برد:

- حوزه شناختی: مهارت‌ها و دانش فنی^۲
 - حوزه عاطفی: رشد احساسات، عواطف یا نگرش^۳
 - حوزه روانی - حرکتی: مهارت‌های دستی «رفتاری - کنشی»^۴.
- حوزه شناختی دارای شش وجه است. سه بخش اول از شش بخش جز مراحل یادگیری عینی است. اولین بخش حوزه شناختی، بخش دانش است. این بخش برای دانش پذیران فرصتی را فراهم می‌کند تا بازخوانی و بازشناسی ساده‌ای از عناوین به دست آورند. افعال خاصی که شامل این بخش می‌شوند عبارت‌اند از: فهرست تهیه کردن، شناختن، تعیین کردن، تشخیص دادن، رقابت کردن، بیان کردن، برچسب زدن، توضیح دادن و نام بردن.

در امر دموکراتیک باید دانش^۵ نسبت به دموکراسی را از نظر ذهنی فراهم آورد. دانش دربرگیرنده داده‌های خام است. این داده‌ها باید به داده‌های قابل اطمینان تبدیل شود. این که حقیقت و جوهره دموکراسی چیست و با چه ماهیتی صورت واقعیت به خود می‌پذیرد، از اهمیت حیاتی برخوردار است. پس از این بایسته است که داده‌ها به "فهم و درک"^۶ آیند. به بیان من این داده‌ها باید درونی و از آن خود فرد و جماعت‌های دموکراتیک گردند تا به زبان آن‌ها قابل ترجمه ذهنی و عینی باشد. در این جا دانش‌های فهمیده شده و قابل اطمینان به "اطلاعات"^۷ تبدیل می‌شوند تا بتوان با بهره‌مندی از آن‌ها به کاربرد آن‌ها آگاه و به تجزیه^۸ و ترکیب^۹ آن‌ها پرداخت. امر دموکراتیک باید در پرتو فهم اعضای یک جامعه، در رفتار و کنش آن‌ها تجلی یابد و به سلوکی پایدار تبدیل شود. در پرتو این مسیر است که رفتارها و کنش‌ها پایدار و قابل ارزیابی و قابل استفاده می‌شود. ارزشیابی چنین فرایندی در هر مقطع بعد از این مسیر قابل دستیابی است.

² The Cognitive Domain

³ The Affective Domain

⁴ The psychomotor Domain

⁵ Knowledge

⁶ Comprehensive

⁷ Information

⁸ Analysis

⁹ Synthesis

بنابراین گسترش و افزون بخشی "دانش دموکراتیک" رهیافتی پایه‌ای در این زمینه و در بُعد تاکتیکی است؛ اما این حوزه شناختی و ابعاد ریز آن کافی نیست. بایسته آن است که ساحت عاطفی را نیز در این موضوع نادیده نینگاریم. موضوعات مربوط به این حوزه معمولاً پیرامون نگرش‌ها و عواطف جامعه موردنظر است. به اعتقاد بعضی از اشخاص این حوزه در سطح گسترده‌ای به مکان‌های مذهبی و خانواده نیز انتقال یافته است. برای یک آموزگار بسیار سخت است که میزان نگرش و احساسات فرد یا جامعه هدف را بسنجد. برای این که این حوزه در محیط مفید واقع شود باید فرصت‌های قابل‌دستیابی برای افراد و جماعت‌ها فراهم گردد. حوزه عاطفی شامل پنج بخش است که عبارت‌اند از: بخش دریافت، بخش واکنش، بخش ارزش‌گذاری، بخش سازمان‌دهی، بخش سنجش شخصیت‌پذیری توسط مجموعه‌ای از ارزش‌ها. هریک از این بخش‌ها با میزان درونی سازی یک ارزش، نگرش یا احساس خاص مطرح شده از سوی فرد و جامعه هدف در ارتباط است.

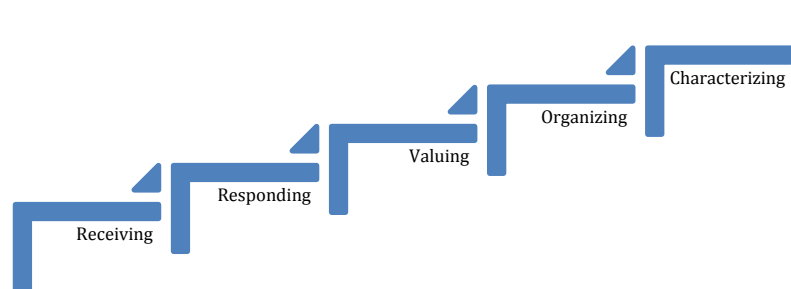
- در حوزه عاطفی دریافت کردن¹⁰ اولین گام است. آگاهی از ایده‌ها و پدیده‌های خاص یا به گونه کلی محرک‌های خارجی و حساسیت نسبت به دریافت آن‌ها مدنظر است. دریافت کردن پروای دریافت اطلاعات را در خود دارا است. این که تکتم افراد و جوامع در قالب شخصیت‌های حقیقی و حقوقی به "اخلاق دموکراتیک" آگاه و نسبت به "قوانین دموکراتیک" متعهد باشند، نیازمند دریافت است. آگاه شدن از ایده‌ها و پدیده‌های دموکراتیک و اثرات مثبت آن‌ها در ساحت زندگی از فردی و خانوادگی گرفته تا ملی و بین‌المللی نیاز جهان دموکراتیک است.

- واکنش نشان دادن¹¹ در گام دوم رویکرد عاطفی قرار دارد. پاسخ دادن به محرک برونی لازم است. در این دیدگاه بلومی؛ واکنش نشان دادن به مشارکت فعال و فزاینده در فرایند یادگیری اشاره دارد. در اینجا فرد و جامعه هدف در فرایند دموکراسی و دموکراتیزه کردن پیرامون خود شرکت فعالانه دارند. آن‌ها همین حال را دوست دارند و در امر کمک به دیگران در این زمینه فعال هستند.

¹⁰ Receiving

¹¹ Responding

- ارزش قائل شدن^{۱۲} در اینجا برای اصول و ارزش‌های دموکراتیک در پرتو رشد و توسعه هوشیارانه^{۱۳} فرهنگ دموکراتیک^{۱۴} مطرح است. باید فرد و جامعه بیاموزند که به دموکراسی و ارزش‌های ناشی از آن احترام ماهوی و نه ابزاری قائل باشند و حرمت محتوایی و شکلی آن را حفظ نمایند؛ نقش دموکراسی را در زندگی روزمره محترم شمارند و درک درستی از تفاوت‌ها و تمایزهای فرهنگ اصیل دموکراتیک و شبه دموکراتیک و نادموکراتیک داشته باشند.
- سازمان‌دهی^{۱۳} در رتبه بعدی قرار دارد. سازمان‌دهی ارزش‌های پذیرفته‌شده دموکراتیک را نباید از نظر دور داشت. با در کنار هم قرار دادن "مناسب و متناسب" ارزش‌ها، اطلاعات و ایده‌های گوناگون، می‌توان در جامعه هدف یعنی ایران عزیز؛ به سیستم ارزشی منحصر به فرد دموکراتیک برای دموکراتیزه کردن ایران آینده دست یافت. این سیستم باید مناسب با ایرانیان ایرانیان و متناسب با دنیای پیشرو و پرشتاب برای رفتن به آینده باشد.
- شخصیت‌پردازی^{۱۴} در مرحله پنجم رویکرد عاطفی قرار دارد. در این مرحله باید نهادینه شدن ارزش‌های سازمان‌دهی شده در درون‌مایه شخصیتی افراد و شخصیت سازمانی سازمان‌های جامعه^{۱۵} ملی مورد انتظار باشد؛ به گونه‌ای که هر فرد و سازمان خود را به‌عنوان یک "نهاد دموکراتیک" دارای رسالت ملی در پویایی و پایداری دموکراسی بداند. در اینجا هر فرد و سازمان استانداردهای اخلاق و قوانین دموکراتیک را می‌پذیرد. همه‌چیز با این معیارها ارزیابی و ارزشیابی می‌شوند.



•HIGER

•LOWER

- کنش بایسته و الگودهی عینی

در این میان بعد از حوزه شناختی و

مختصات شش‌گانه و ساحت عاطفی و مختصات پنجگان آن به حوزه روانی - حرکتی می‌رسیم. بلوم و همکارانش این

¹² Valuing

¹³ Organizing

¹⁴ Characterizing

معنا را کامل نکردند. مهارت‌های روانی و حرکتی به استفاده از مهارت‌های حرکتی؛ هماهنگی و حرکت بدنی اشاره دارد. در این زمینه نظرات و تئوری‌های گوناگونی در این باب وجود دارد. طبقه‌بندی دیو؛ الیزابت سیمپسون؛ هارو و... از این نمونه طبقه‌بندی‌ها به حساب می‌آیند.

دیو به:

- تقلید^{۱۵}
 - دست‌کاری^{۱۶}
 - دقت^{۱۷}
 - هماهنگی حرکت‌ها^{۱۸}
 - طبیعی سازی^{۱۹}
- اشاره دارد.

در تقلید شما می‌توانید از یک الگوی موجود مدلی برای عمل بازیابی کنید. از فعالیت‌های آن الگو انگیزه و ایده بگیرید. در دست‌کاری، این توانایی را بازمی‌یابید که مدل فکری؛ رفتاری و کنشی خود را از روی گفتار و نوشتار و حافظه^{۱۵} تاریخی تجربه‌شده بسازید و با بازیابی آن‌ها دست‌کاری مورد لزوم را به انجام رسانید. در مرحله سوم استقلال در عمل با نهادینه شدن مهارت ایجاد می‌شود. با عبور از تقلید به دست‌کاری و از آن به بی‌نیازی از تقلید و کمک گرفتن از دیگران دست پیدا می‌کنید. بعد از این است که می‌توانید به قدرتی دست پیدا کنید که فرایندها را براساس نیازهای شخصی سازگار کنید و هنگامی که با پیچیدگی روبرو شدید می‌توانید حرکت خود را تعدیل کنید.

¹⁵ Imitate

¹⁶ Manipulate

¹⁷ Precision

¹⁸ Articulation

¹⁹ Naturalization

در طبیعی سازی می‌توانید حرکت را به‌طور ناخودآگاه انجام دهید. در ادبیات این حوزه، این موضوع را "حافظه عضلانی" می‌نامند.

در گسترش دموکراسی با این گزاره تاکتیکی "کنش بایسته و الگودهی عینی" نیازمند آن هستیم که از مهارت‌های روانی-حرکتی بهره‌برداری نماییم.

- نظارت و ارزیابی قانونی

در کنار "اخلاق دموکراتیک" ما "قانون دموکراتیک" را مورد پروا قرار می‌دهیم. اخلاق در معنای مرام و مسلک^{۲۰} اساساً به‌تنهایی کافی نیست. در این گستره باید به این معنا توجه حیاتی داشت.

جدای از قوانین و مقررات دموکراتیک در قالب‌های گوناگون حقوقی و قانونی و پای فشاری بر اجرای بی‌چون‌وچرای آن بایسته است که بر نظارت و ارزیابی دائمی این موضوع مصر باشیم. "بنا بابا" اصطلاحی است که سال‌ها بر آن اصرار دارم.

این سرواژه واژگان زیر است:

- بازرسی
- نظارت
- ارزیابی
- برنامه‌ریزی
- اجرا
- بازخورد
- اصلاح

را شامل می‌شود. گسترش دموکراسی به‌عنوان سبک زندگی که بر سازنده جامعه دموکراتیک می‌شود؛ نیازمند این مهم است.

²⁰ Morality

تاکتیک ناظر بر این استراتژی با گزاره «آموزش دقیق و گسترده، مدل یابی اصیل، کنش بایسته و الگودهی عینی؛ نظارت و ارزیابی قانونی» می‌تواند بر سازنده یک جامعه پیشرو باشد. این معنا نیازمند «نظام جامع آموزش تربیت و تبلیغ و تقنین و ترمیم» است.

سبک غالب بر ارائه آموزش‌های مهارتی در کشور، تمرکز بر سیستم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از دو طریق بخش فربه دولتی و بخش نحیف خصوصی رقم خورده است. اگرچه شعار حمایت از بخش خصوصی و حرکت به سمت غیردولتی کردن آموزش‌های مهارتی در حال تکرار است، اما در عمل نشانه‌های واقعی از تغییر نگرش به سمت حمایت از بخش آموزش‌های مهارتی خصوصی دیده نمی‌شود. از سوی دیگر آموزش دموکراتیک به صورت حرکتی و مهارتی از جنس معنادار و قابل تعریفی نیست که بتوان با این‌گونه آموزش‌ها هم‌سطح تلقی کرد.

این چالش جدی در برابر ما است که چگونه می‌توانیم از مراکز آموزشی؛ از مدارس تا دانشگاه‌ها گرفته تا مراکز آموزش مهارت‌های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی بهره برد تا دموکراسی پذیری را گستره و بلندبالا داد.

چالش عمده دیگر آن است که نمی‌توان این کلیت و نگاه از بالا را به دموکراسی به‌عنوان سبک زندگی تبدیل کرد. همه ماجرا و واقعیت‌های موجود در سیستم مهارت‌آموزی در باب دموکراسی در این معنا محدود نمی‌شود.

می‌توان به جرئت اذعان کرد که بخش مهم و تأثیرگذار راهکار برون‌رفت از این چالش، حرکت به سمت افق‌های روشن نظام جامع آموزشی و تربیت فنی حرفه‌ای و مهارتی است، یا به عبارت دیگر دستیابی به نظامی جامع از تربیت؛ تبلیغ و ترویج به همراه قوانین تقنینی مناسب و متناسب با آن است. برای دستیابی به تحول و گسترش این مهم، تغییر رویکرد و نگرش جدیدی درون جامعه و محیط‌های پیرامون آن مورد نیاز است.

این امر نیازمند دگرگونی پرمایه و پر اثر رسانه برای تبدیل آدم‌های حامل دیکتاتورهای درونی به انسان‌هایی است که آدمیت ایرانی را بر سازند و رنسانس‌رهایی را در ایران با تبدیل دموکراسی به سبک زندگی موجب شوند و این لازمه‌رهایی از حلقه تغییرات تکراری و پرنج و پرهزینه تاریخی است.